

نقدی بر اظهارنظرهای متناقض این روزهای مسئولان در موضوعات روز حداقل با هم هماهنگ باشید



زهرا طیبی خبرنگار گروه نقد روز

بحث داغی که این چند روز فضای افکارعمومی جامعه را تحت‌تأثیر قرار داده یا شاید بهتر باشد بگوییم بیش از دیگر اخبار مورد توجه مردم قرار گرفته است و چند و چون اصلی ماجرا را در میان کانال‌ها و صفحه‌های خبری دنبال می‌کنند، قصه حضور حجاب‌بان‌ها در مترو، دستگیری پیرمرد گیلانی و البته موضوع فساد مالی چای دیش است. در میان آنچه از جانب مسئولان درباره برخی از این اخبار مطرح شد، نیز قابل‌توجه است. همان روزهای ابتدایی که تصاویری از حضور حجاب‌بان‌ها در متروی تئاترشهر و بعد متروی انقلاب منتشر شد، سوال اصلی این بود که این افراد از جانب کدام نهاد یا سازمانی برای دادن «تذکر حجاب» در مترو مستقر شده‌اند. زاکانی، شهردار تهران مدعی شد که فعالیت حجاب‌بان‌ها مردمی بوده و شهرداری مجوزی در این رابطه صادر نکرده است و گفت: «شهرداری مجوز این کار را نداده است و به‌صورت خودجوش این کار از سوی مردم شکل گرفته است. اقدامی که از سوی مردم صورت‌گرفته مثل این است که کسی در خیابان امر به معروف و نهی از منکر می‌کند. آیا به آنها مجوز داده‌اند؟» روز گذشته اما اقراریان، سخنگوی شورای شهرتهران در این باره گفت: «حضور حجاب‌بان‌ها و نیروهای مردمی ذیل نظارت «مجموعه فرهنگی مترو» انجام می‌شود. نمی‌شود فعالیت‌های مردمی با هر سلیقه‌ای در مکان‌های عمومی اتفاق بیفتند و باید تمام بازخوردهای اجتماعی و شکل‌های قانونی و حقوقی این فعالیت‌ها بررسی شده باشد.» ماجرای دیگری که این چند وقت در فضای مجازی حواشی زیادی به همراه داشته، پیرمرد گیلانی بوده که ویدئوی آوازخوانی او در بازار مورد توجه قرار گرفته و خبر دستگیری آن پیرمرد در فضای مجازی نیز با واکنش‌هایی همراه شده است. سردار حسن پور، جانشین فرمانده انتظامی گیلان از بازداشت ۱۲ نفر در ماجرای انتشار فیلم رقص و آواز پیرمرد گیلانی و «صدور اخطاریه پلمب برای چهار واحد صنفی متخلف» خبر داد. روز گذشته و بعد از حواشی زیادی که انتشار خبر دستگیری این پیرمرد گیلانی به همراه داشت، فرماندهی انتظامی گیلان اما در اطلاعیه‌ای خبر دستگیری و پلمب واحدهای صنفی را تکذیب کرد و گفت: «درپی انتشار ویدئوی فردی در رشت و اخباری درخصوص دستگیری او و پلمب برخی مغازه‌ها، مشخص شد چنین موضوعی صحت نداشته و صرفاً به افراد هنجارشکنی که به‌صورت مختلط اقدام به رفتارهای خارج از عرف کرده بودند، تذکر داده شد.»

اگر تنها اظهارنظرها در دو ماجرای پیرمرد گیلانی و حجاب‌بان‌های مترو در نظر بگیریم، نکته‌ای که بیش از همه به چشم می‌خورد، ناهماهنگی مسئولان مربوط در ارائه توضیح به رسانه‌ها پیرامون اخباری است که گریه در افکار عمومی ایجاد کرده است. امری که فارغ از اینکه جزئیات دقیق و درستی از ماجرا ارائه نمی‌دهد، نوعی تناقض‌گویی را در صحبت‌های مسئولان، نشان می‌دهد. توقع بیجایی نیست اگر این انتظار وجود داشته باشد که با توجه به اینکه اظهارات و صحبت‌های مسئولان مورد استناد افکار عمومی و رسانه‌ها قرار می‌گیرد، حداقل در اظهارنظر در مسائل اینچینی که مردم جامعه نسبت به آن حساس هستند، هماهنگ عمل کنند و اگر قرار است موضعی نسبت به رویدادها داشته باشند، در آن اتفاق نظر داشته باشند. موضوع دیگری که در دو ماجرای اخیر مورد توجه قرار دارد و به‌نظر می‌رسد اهمیت آن از جانب مسئولان هنوز درک نشده است، برداشتی است که افکار عمومی از اظهارات پیرو این ماجراها دارد. اولین برداشتی که مخاطب از انتشار این اظهارات ضد و نقیض دارد، این است که اصل ماجرا و واقعیت رویداد از مردم پنهان می‌شود و صدقتی در موضع‌گیری نسبت به این رویدادها وجود ندارد. امری که نمی‌توان گلیه‌ای را متوجه افکار عمومی دانست؛ چراکه وقتی پای تناقض‌گویی‌ها وسط می‌آید، روایت واحدی وجود ندارد که بتوان به آن استناد کرد. برای مثال ماجرای انتشار خبر دستگیری پیرمرد گیلانی و واکنش پیرامون آن در چند روز اخیر در شرایطی درحال افزایش است که فارغ از اینکه دستاویز تازه‌ای به رسانه‌های معاند داده، در میان افکار عمومی نیز این سوال را ایجاد کرده که جرم پیرمرد و بازاریانی که به آوازخوانی مشغول بودند، چه بود؟ البته مسئولان مربوط اظهارنظر دقیقی در این باره منتشر نکرده‌اند. روز گذشته اما فرماندهی انتظامی گیلان اطلاعیه‌ای منتشر و اصل بازداشت پیرمرد و اخطار پلمب مغازه‌ها را تکذیب کرد. واکنش طبیعی افکار عمومی نسبت به این ماجرا، نپذیرفتن آن است؛ چراکه جانشین فرمانده انتظامی گیلان در گفت‌وگو با باشگاه خبرنگاران جوان از بازداشت ۱۲ نفر پیرامون این اتفاق خبر داده بود. به‌نظر می‌رسد آنچه در انتشار اخبار پیرامون ماجرا کمترین میزان اهمیت از جانب مسئولان را دارد، واکنش و برخوردی است که افکار عمومی نسبت به آن دارد. شاید فراموش می‌شود که افکار عمومی هنوز اظهارنظر مسئولان انتظامی درباره دستگیری این افراد را به‌خاطر دارند. به‌نظر می‌رسد باید عامل اصلی بروز اشکالات و حواشی پیرامون این اتفاقات را در برداشت سلیقه‌ای در اجرای قانون جست‌وجو کرد، زمانی که مبنا بر اجرای قانون براساس سلیاق و نظرات شخصی باشد. آنچه قربانی می‌شود اصل و متن قانون است و آسیبی که مزید برعلت می‌شود، زخمی است که هربار بر پیکره اعتماد عمومی وارد می‌شود.

قصه غصه حمید نوری به کجا می‌رسد

خدشه به تصویر فانتزی سوئد



علی مزروعی خبرنگار گروه نقد روز

یکشنبه بود که خبر صدور کیفرخواست یک تبعه سوئدی تبار که متهم به جاسوسی برای رژیم صهیونیستی است توسط خبرنگاری میزان منتشر شد. بر این اساس نماینده دادستان تهران کیفرخواست صادره درباره متهم «یوهان هنریک نیلز فلودروس» تبعه سوئد مبنی بر افساد فی‌الارض، اقدامات گسترده علیه امنیت کشور باوصف همکاری اطلاعاتی گسترده بر رژیم صهیونیستی را قرائت کرد. فارغ از هویت متهم که در گزارش قوه قضائیه به‌طور مفصل به آن پرداخته شده این سوالات در ذهن مخاطبان ایجاد شد که دلیل انتشار این گزارش چه بوده و آیا ممکن است این پرونده اثرات سیاسی داشته باشد. اگر به خاطر بیاوریم که همزمان با انتشار این خبر، کیفرخواست یک ایرانی نیز در سوئد صادر شده و او با اتهامات بی‌پایه به انتظار حکم نشسته است، تا حد زیادی ابهامات به وجود آمده پاسخ داده می‌شود.

رئومه شلوغ اقدامات ضدایرانی فلودروس

متهم در حوزه جمع‌آوری اطلاعات به نفع رژیم صهیونیستی در قالب پروژه‌های برانداز با محوریت موسسات آمریکایی، اسرائیلی و اروپایی شناخته شده‌فعال در این حوزه، علیه جمهوری اسلامی ایران فعال بوده است. یوهان فلودروس ارتباط شبکه‌ای با عوامل و عناصر اتحادیه اروپا و نمایندگان مرتبط با گروهک تروزیستی متناقض داشته‌است.این شخص بامدیریت سرویس موسوم به اقدام خارجی رژیم صهیونیستی با سازمان توسعه همکاری‌های بین‌المللی اتحادیه اروپا DEVCO ارتباط گرفته واز این طریق پروژه‌های مرتبط با براندازی در ایران را پیگیری می‌کرده است. پروژه‌هایی که ذیل عنوانین ادعایی حقوق بشر یا حقوق زنان پیگیری می‌شدند اما درحقیقت داده‌یابی در مورد فعالیت‌های نظامی و هسته‌ای ایران را هدف قرار داده بودند. فلودروس به‌عنوان عضو هیات کمیسیون اروپا تحت پوششی کارمند این اتحادیه همراه باکمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان در ایران حضور یافته و در زمینه چالش‌های مهاجرت و راه‌حل‌های آن صحبت کرده است. برقراری ارتباط شبکه‌ای در کشور با سایر عوامل سرویس اطلاعاتی سوئد، اقدام و فعالیت در پروژه‌های براندازی، انتقال پول به ایران در قالب پروژه‌های اشاره شده، همکاری و ارتباط اطلاعاتی در اتحادیه اروپا باید هدف پیشبرد پروژه‌های ضدایرانی از دیگر اقدامات متهم است که در کیفرخواست به آنها اشاره شده است. سفر به فلسطین اشغالی، ارتباط با عناصر و عوامل رژیم اشغالگر قدس و جمع‌آوری اطلاعات از برنامه‌های جمهوری اسلامی ایران که ارتباطی با حوزه حرفه‌ای فعالیت متهم نداشته، از دیگر اقدامات وی است. در پایان متن کیفرخواست نیز نامیده دادستان درخواست داشته تا نامبرده مجرم شناخته شده و براساس ماده ۲۸۶ قانون مجازات‌ات اسلامی و نیز ماده ۶ قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی کیفرش اجرایی گردد. مطابق هر دو این مواد، متهم مفسد فی‌الارض شناخته شده و محکوم به اشد مجازات (اعدام) خواهد بود.

پیام فرامتنی محاکمه تبعه سوئدی

اگرچه این تبعه سوئدی با حجم عظیمی از اقدامات ضدایرانی شایسته محکومیت بوده و اطلاع‌رسانی مجازات وی نیز بزرای مهار سایر عوامل دستگاه‌های امنیتی ضروری محسوب می‌شود اما این اقدام یک پیام فرامتنی دیگر نیز احتمالاًبرای دولت سوئد دارد. این کشور ۴۰ سال است که بدون صدور هیچ‌گونه حکمی حمید نوری، شهروند ایرانی را در انفرادی نگه داشته تا تکرود سوئدی حبس انفرادی یک فرد را جایه‌جا کند. در طول این مدت دولت سوئد بدون اینکه سندی ارائه کند اتهامات جعلی علیه حمید نوری را اثبات شده

دانسته و علیه وی حکم صادر کرده است. با اعتراض حمید نوری به این حکم، اکنون پرونده در مرحله تجدید نظر قرار داشته و آن‌طور که فرزند حمید نوری به «فرهیختگان» اطلاع داده است سه‌شنبه هفته آینده حکم دادگاه تجدید نظر صادر می‌شود. دادگاه سوئد تاکنون هیچ‌گونه عقب‌نشینی از موضع غیرانسانی خود علیه یک شهروند ایرانی نداشته است. تجربه رفتارهای دولت این کشور نشان داده که گزینه‌ای جز اقدام متقابل در این باره کارگشا نیست. آن‌طور که مجید نوری روایت کرده است دولت سوئد تا پیش از اینکه ایران برخوردی سختگیرانه با جاسوس‌های سوئدی تبار حاضر در ایران در پیش نگرفته بود، حتی حاضر نبوده اجازه ملاقات با برقراری تماس به خانواده حمید نوری برای ارتباط با او بدهد.

روایت دادگاه ناعادلانه

آن‌طور که مهدی مومنی، وکیل پایه‌یک دادگستری در مورد پرونده حمید نوری توضیح داده است، دادگاه سوئد در این پرونده برای صدور رأی خود را بی‌نیاز از ارائه ادله اثباتی و مستندات دانسته و گناهکاری آقای نوری را براساس جو سیاسی که در آنجا ایجاد شده، مفروض دانسته است. به‌طور مثال در تعبیراتی که در رأی دادگاه بدوی آقای حمید نوری آمده، نوشته شده که «ثابت شده که متهم با نام مستعار و… در زندان این اقدامات را انجام داده است.» این در حالی است که رأی دادگاه باید مستدل باشد. واژه «ثابت شده» وجهت قانونی ندارد و باید دلایل مشخص باشد. در بخشی از رأی صادرشده برای آقای نوری، (صفحه ۶۰ رأی صادر شده) دادگاه مدعی شده که بررسی‌ها نشان می‌دهد که بالاترین رهبر مذهبی ایران در درجه نخست به دلیل حمله فووغ جاودان (عملیات مرصاد)، فتوا صادر کرد که هواداران مجاهدین در زندان ایران که به عقیده خود وفادار بودند، اعدام شوند. همچنین در این رأی عنوان شده که تشخیص مسئولان این فتوا در صلاحیت یک کمیته‌ای است که باید تشخیص بدهد به‌طور مثال این فرد همچنان برعقیده خود بابرجاست یا خیر. این درحالی است که آقای حمید نوری عضو این کمیته نبوده و شاکیان نیز مدعی نشدند که او عضو این کمیته بود. آنها مدعی شدند که نوری دستیار معاون دادستان بوده است و هیچ‌ای اینکه نقش او را بزرنگ کنند مدعی شدند که او مسئول تشخیص این موضوع بوده و شفاها اعلام می‌کرده

فرزند حمید نوری در گفت‌وگو با «فرهیختگان» فشار رسانه‌ای به دادگاه سوئد را برای عقب نشینی از رویکرد غیرعادلانه کارآمد دانست

راه‌حل پرونده حمید نوری رسانه است

آنهاست؛ باید اعتراض کنیم و اجازه ندهیم یک کشور با ادعای اینکه ما کشور خوبی هستیم، دست به این اقدامات بزند.

وضعیت پدرتان الان به چه صورت است؟

در مورد وضعیت پدر باید بگویم که الان تماس‌های مقاطع است و متأسفانه یکی از اقدامات منفی که سوئدی‌ها انجام می‌دهند، قطع تماس است. به محض اینکه تماس وصل می‌شود و ما دل‌مان خوش می‌شود، بلافاصله قطع می‌کنند. به‌طور کلی مدل شکنجه آنها اینچنین است. هیچ امکاتی فراهم نمی‌کنند. کلا ناممکن است، قطع می‌کند، وصل می‌کند. ما امیدوار می‌شویم. بعد امیدمان ناامید می‌شود. اینطور فرد بیشتر می‌شکند. واقعیت اینکه ما خانواده‌ها راه‌ای کردیم که بروید و اگر می‌توانید ملاقات بگیرید و تلقن را وصل نخواهند کرد. الان مادر و خواهر من در سوئد هستند.

بعد از برگزاری دادگاه تجدید نظر آیا سوئد از موضع قبلی خود عقب‌نشینی کرده است؟

ان‌اوضاع بهتر نشده و دولت سوئدی از موضع و ادعایی که در مورد حمیدنوری داشتند، عقب‌نشینی نکرده‌اند.

اصلاً اوضاع بدتر شده است، بعد از وصل شدن امکان تماس با پدر کمی امیدوار شدیم. پلیس آنها عملاً قانون شکنی کرده است. ما به سوئدی‌ها امیدوار شدیم. گفتیم وقتی این موضوع را در رسانه‌هایشان مطرح کردند، پس می‌خواهند خودشان پرونده را جمع کنند ولی متأسفانه علی‌رغم اینکه شعار می‌دهند، قوه قضائیه مستقل است. پرونده را به طمع اینکه بتوانند از ایران امتیاز بگیرند تا الان جمع نکرده‌اند.

دقیقا چه چیزی را به عنوان امتیاز از ما مطالبه می‌کنند؟

اول دنبال این هستند که حتماً آقای جلالی را تحویل بگیرند و دوم به دنبال محکوم کردن جمهوری اسلامی در ماجرای پرونده‌های دهه ۶۰ هستند. یعنی اینکه آقای نوری را محکوم کنند. بعد از ایران امتیاز بگیرند و اصلاً کاری به پرونده ندارند. دنبال محکوم کردن جمهوری اسلامی هستند، چون این پرونده آقای نوری که نیست، پرونده اعدام‌های ۶۷ است. می‌خواهند به وسیله این امتیازات بیشتری بگیرند و اگر مساله عدل و حقوق بشر و این موارد مطرح بود که درست پیش می‌رفتند.

آیا متاقین با توجه به اینکه به حکم تجدید نظر نزدیک می‌شویم، فعالیت‌هایشان

که چه کسی مستحق اعدام است، درحالی‌که این امر خلاف واقع بود. حمید نوری نه صادرکننده فتوا و نه عضو آن کمیته اجرای فتوا بوده و همین امر یکی از تناقضاتی است که در پرونده حمید نوری شاهد هستیم. اعضای سابق و فعلی متاقین در پرونده حمید نوری هم شاکمی و هم شاهد هستند درحالی‌که از لحاظ موازین حقوقی شخص شاکمی نمی‌تواند شاهد هم باشد. به‌عنوان مثال مادر یکی از اعضای مجاهدین خلق که اعدام شده را به‌عنوان شاهد در دادگاه حاضر می‌کنند. این فرد چه شناخت و علمی از حمید نوری دارد؟ این در حالی است که رسیدگی‌های کیفری باید شفاف و غیرسیاسی باشد. اینکه یک مادر می‌گوید بچه من کشته شده و اکنون حمید نوری باید پاسخگو باشد، منطقی ندارد.

دولت سوئد جاسوس سوخته‌اش را نخواست

پرونده تبعه سوئدی تا مرحله کیفرخواست رفته و حکم اعدام برایش مطالبه شده اما اگر این خبر در سایت‌های غیرفارسی‌زبان جست‌وجو کنید احتمالاً با اورو ۴۰۴ مواجه می‌شوید. عدم بازشر این خبر در رسانه‌های سوئدی نشان می‌دهد این کشور برای آزادی شهروند یا به تعبیر بهتر جاسوسش حتی حاضر نیست به قدر انتشار یک خبر، هزینه رسانه‌ای بدهد. ریشه این رویکرد را می‌توان در سیاست‌های این کشور برای ساختن تصویر فانتزی از خود به‌عنوان مدافع دموکراسی و آزادی بیان دانست. کشور مدعی آزادی بیان که روزی به پناهگاه سرکرده گروهک تروزیستی الاوازیه تبدیل شده بود اکنون برای حمید نوری صرفاً به اندازه یک سلول انفرادی، آزادی فراهم کرده است. اقدام ایران در رسانه‌ای کردن محکومیت جاسوس سوئدی چند اثر مهم دارد. اولاً باعث می‌شود تاوری دیگر حکمرانی به‌ظاهر آزاداندیشانه سوئد که مبتنی بر نفوذ و خرابکاری است علنی شده و دولت این کشور برای حفظ وجهه فانتزی خود به تکاپو بیفتند. اثر مهم بعدی نیز این است که با رسیدن صدای این محکومیت به گوش سایر عوامل نفوذی، این مطالبه در آنها به وجود بیاید که دولت آمر از همصنف‌شان حمایت کند و برای حفاظت از جانش هزینه بدهد. در غیر این صورت آنها اعتمادشان را به وعده حمایت این دولت از دست داده و انگیزه‌شان برای خرابکاری کمتر می‌شود؛ چراکه اگر پایشان به چوبه دار برسد دولت سوئد حتی حاضر نیست به قدر یک خبر چند سطر ی برایشان هزینه بدهد.

تحت‌تأثیر القانات او باشد؟

الان راس کار سوئد است و متناقضین دیگر آفتاب قدرت ندارند. یک اسباب‌بازی‌اند.

پمپتو هم یک کاسب است و دارد متناقضین را تلکه می‌کند. در واقع پول‌هایی که خودشان به متناقضین می‌دهند را اینجوری برمی‌گرداند و نقشی ندارد.

برای اینکه دولت سوئد از موضع خصمانه‌اش علیه پدرتان عقب‌نشینی کند چه راهکاری وجود دارد؟

سوئدی‌ها کلاً یک زبان می‌فهمند و اصلاً زبان منطق متوجه نمی‌شوند. ما کاردار سفارت سوئد را در جلسه دادگاه‌ها ندانیم، چون دقیقاً همین برخورد را با سرتکسول ما انجام دادند و باید اقدام متقابل رفتارشان انجام دهیم تا رفتارشان درست شود.

خود ما ذهنیت‌مان در مورد سوئد اصلاً این نبود. برای مثال به ما ویزا نمی‌دادند؛ وقتی ایران فشار را افزایش داد، توانستیم ویزا بگیریم.

دولت سوئد خیلی از احکام را اطلاع‌رسانی نمی‌کرد؛ ما اطلاع می‌دادیم اما آنها در رسانه‌هایشان منتشر نمی‌کردند؛ چرا این اتفاق رخ می‌دهد؟

چون به آنها فشار می‌آید و نمی‌خواهند فشار رسانه‌ای داشته باشند. به خانواده‌ها هم می‌گویند که اسم اشخاص را مطرح نکنید چون آن وقت نامنی توانیم کاری برای آنها انجام دهیم. سیاست سوئدی‌ها مارپیچ سکوت است؛ هیچ چیز نگویید تا جمهوری اسلامی خودش تحت فشار قرار بگیرد. کلاً دادگاه حمید نوری، نه دادگاه سیاسی است، نه دادگاه حقوقی؛ یعنی نه از طریق تبادل حل می‌شود، نه ادله حقوقی. این داستان تنها رسانه‌ای است. برای سوئدی‌ها تنها رسانه مهم است، حتی فلودروس (تبعه سوئدی بازداشت‌شده به اتهام جاسوسی) نیز برایشان اهمیتی ندارد تا وقتی که در رسانه‌ها دیده شود. سوئدی‌ها یک تشکیلات داین‌دو برای وجه جهانی‌شان، خیلی ارزش قائلند؛ به همین خاطر دادستان در جلسه دادگاه به شخص من اعتراض می‌کند و می‌گوید به چه حقی علیه ما حرف می‌زنی و دادگاه سوئد را زیر سوال می‌بری. من اینجا فهمیدم که درست عمل کردیم. ما باید حیثیت سوئدی‌ها را ببریم و اشتباه کردیم که چیزی نگفتیم. الان شبکه یک سوئد با زنگس محمدی در زندان اوین مصاحبه کردند، پدر من بالای صدار اعلام کرده که یکی از رسانه‌هایتان با من مصاحبه کند، مگر نمی‌گویید که در زندان‌هایتان آزادی بیان وجود دارد؟ خوب این منطقی نیست. اما اول‌زنگی داریم. الان اگر از مردم پیرسیم زندان ایران بهتر است یا سوئد بلااستثنا می‌گویند سوئد.